



کتاب درسی زیر ذره بین

عربی ۲

پایه یازدهم

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

تألیف:

عباس دادخواه

انتشارات
کتاب آموزشی پیشرو



خراموش نَنیم

خیلی خیلی

کتاب درسی مهم است...

تقدیم به نگاه عمیق شما ...

مقدمه مؤلف

تقدیم به ساحت مقدّس امام رؤوف، حضرت رضا علیه السلام

امید که با خلوص نیت باشد و مقبول حضرتش

دوستان نادیده‌ام، دانش‌آموزان پایهٔ یازدهم (گروه ریاضی فیزیک و علوم تجربی) درود و عرض احترام؛ این نوشتار از مجموعه کتاب‌های زیر ذره‌بین، ویژهٔ درس «عربی زبان قرآن ۲» می‌باشد. خداوند را شاکرم که این فرصت را روزی بنده کرد تا از این طریق در خدمت شما دوستان خوبم باشم.

این نوشتار (اگر مقبول خداوند متعال باشد)؛ با نیت هدایت علمی شما و همچنین فراهم آوردن مجال مناسب برای یادگیری دقیق و موشکافانهٔ کتاب عربی پایهٔ یازدهم به منظور کسب نتیجه‌ای شایسته در امتحانات نهایی تألیف شده است. مایهٔ مباهات و خرسندی مجموعهٔ نشر «کاپ» و هم‌چنین اینجانب به عنوان مؤلف اثر است که بتوانیم نقش مؤثری در این راستا داشته باشیم.

این نوشتار بر پایهٔ اهداف زیر به رشتهٔ تحریر درآمده است:

« استفاده از تصویر صفحات کتاب درسی از ابتدا تا انتها و تحلیل کلیهٔ عبارات‌های آن در بخش‌های مختلف از متن درس تا بخش تمرینات از جنبه‌های مختلف و متناسب با هر قسمت.

« ارائهٔ درسنامه‌ای مفید و در عین حال مختصر در راستای اهداف آموزشی کتاب درسی و انتظارات مورد نظر طراحان سؤالات امتحان نهایی و پرهیز از اضافه‌گویی در بیان مطالب.

« ترجمهٔ واژه به واژهٔ متن درس و سپس ترجمهٔ روان سطر به سطر آن و هم‌چنین ترجمهٔ روان کلیهٔ عبارات‌های بخش «إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ»، «إِغْلَمُوا»، «الحوار» و تمرینات کتاب درسی.

« نشانه‌گذاری واژه‌های مهم متن درس و هم‌چنین عبارات‌های بخش «إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ»، «إِغْلَمُوا» و تمرینات کتاب درسی و ارائهٔ مترادف، متضاد و جمع مکسر آن‌ها.

« بررسی «المحلّ الإعرابی» یا همان نقش دستوری واژگان متن درس و عبارات‌های بخش «إِغْلَمُوا»، «إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ» و تمرینات کتاب درسی.

« ارائهٔ آزمون شبه‌نهایی [حاوی سؤالات تألیفی و هم‌چنین استفاده از سؤالات استان‌های مختلف کشور در سال‌های گذشته و سؤالات آزمون نهایی مرتبط با هر درس] به همراه پاسخ تشریحی در پایان هر درس.

در پایان از خداوند سبحان خواستارم تا به ما توفیق دهد تا در کسب نتیجه‌ای مطلوب و بسیار شایسته در امتحان نهایی درس «عربی ۲» یار صدیق و همراه مؤثری برایتان باشیم.

بدون تردید این نوشتار عاری از نقد نیست؛ از این رو با افتخار پذیرای دیدگاه‌ها، انتقادها و پیشنهادهای کلیهٔ اساتید محترم، همکاران گرامی و شما دوستان خوبم در سراسر ایران‌زمین که این کتاب را برای آمادگی هرچه بیش‌تر در امتحان نهایی انتخاب کرده‌اید، خواهیم بود.

هم‌چنین باعث خرسندی است که از نقش و تأثیر این نوشتار در میزان موفقیت‌تان در پاسخ به سؤالات این درس در امتحان نهایی، ما را مطلع سازید.

در پایان از حسن اعتماد مدیریت محترم نشر «کاپ» جناب آقای سید احمد موسوی و هم‌چنین جناب آقای مصطفی پویان که در پدید آوردن این نوشتار به بنده داشتند، تشکر می‌نمایم. هم‌چنین از حروف‌چینی جناب آقای جواد جعفریان و همراهی‌های صبورانه، مؤثر و حرفه‌ای مدار سرکار خانم منصوره سعیدآبادی در صفحه‌آرایی و سلیقهٔ ستودنی‌شان در طراحی بصری صفحات این نوشتار که از هیچ کوششی در انجام مسؤولیت‌شان دریغ نکردند، تشکر می‌نمایم.

... و توفیق فقط از جانب پروردگار مهربان است

عبّاس دادخواه

سخنی با شما

بالاخره پس از سال‌ها، تغییری بنیادین در نحوه پذیرش دانشجویان کنکور سراسری اتفاق افتاده است؛ دروس عمومی از کنکور حذف شده و سابقه تحصیلی سه ساله دانش‌آموزان؛ ۶۰ درصد از امتیاز ورود به دانشگاه را تشکیل خواهد داد! عدد بزرگی است و به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست. در حقیقت، مسئولین تصمیم‌گیرنده به صورت کاملاً زیرکانه و احتمالاً کارشناسی شده، نه تنها باعث بازگشت اهمیت و جایگاه کتاب‌های درسی شدند بلکه به صورت غیرمستقیم، نقش دروس عمومی را در کنکور بسیار پراهمیت کردند! واقعیت غیرقابل کتمان این است که کتاب درسی مهم است؛ شاید خیلی بیشتر از آنچه که تاکنون تصور می‌کردیم!

با کتاب‌های درسی زیرذره‌بین چه اهدافی را دنبال می‌کنیم؟

۱) یکی از مهم‌ترین مشکلات دبیران، نداشتن زمان کافی برای تدریس همه ریزه‌کاری‌های کتاب درسی است. کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، فرصت کافی به دبیران می‌دهد تا با تکمیل مطالب کتاب درسی، کیفیت آموزش خود را تا سطح عالی ارتقا دهند. در آینده‌ای نه چندان دور به دلیل تغییر در سبک پذیرش کنکور با انبوهی از اعتراض‌های خانواده‌ها مواجه خواهیم شد که بار سنگین کم‌کاری‌های فرزندان را به دوش معلم خواهند انداخت! طبیعی است که مدیران مدارس هم برای آرام کردن این خیل عظیم خانواده‌های معترض، لبه تیز انتقاد را به طرف معلم بگیرند، اینجاست که داشتن مجموعه‌ای کامل، فارغ از شلوغ‌کاری‌های کتاب‌های کمک آموزشی مورد غضب آموزش و پرورش (و البته جزوات جورواجور موجود در فضای مجازی)، می‌تواند علاوه بر این‌که دامنه اعتراض‌ها را به حداقل برساند، در بالا بردن کیفیت آموزش و پیشگیری قبل از درمان به شدت مؤثر باشد. کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، از زوایای مختلف دارای این ویژگی‌های منحصر به فرد است و خیال دانش‌آموز، دبیر و مدرسه را کاملاً راحت می‌کند.

۲) کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، با نگاهی موشکافانه به تحلیل، بررسی و جانمایی سؤالات امتحانات نهایی، شبه‌نهایی و هماهنگ استانی می‌پردازد و تلاش می‌کند ذهن دانش‌آموز را به نکات کلیدی و پراهمیتی که طی سالیان گذشته مورد توجه طراحان مختلف بوده است جلب نماید. در این راستا، تفکیک سؤالات آزمون‌های مختلف بر اساس فصل‌های کتاب درسی و نیز جانمایی این سؤالات در لابه‌لای صفحات از ویژگی‌های بارز تألیف و تدوین این کتاب‌هاست. بدیهی است که تعداد سؤالات آزمون‌های نهایی در پایه دوازدهم بیش از پایه‌های یازدهم و دهم باشد. در پایه‌های دهم و یازدهم از خزانه سؤالات سال‌های گذشته استان‌ها استفاده شده است.

۳) در تألیف کتاب‌های زیرذره‌بین تلاش شده است تا به بخشی از مطالب کتاب‌های درسی که نیاز به توضیح و تفسیر بیشتری داشت، نگاه ویژه‌ای داشته باشیم. در این موارد اگر فضای کافی در حاشیه کتاب درسی وجود نداشت، صفحه‌ای جداگانه به کتاب اضافه شده است تا مؤلف بتواند تمام نیازهای احتمالی را برطرف کند. در روند کلی تألیف این مجموعه کتاب‌ها سعی شده است چهره کلی کتاب درسی محفوظ بماند تا هنگام مطالعه تداوی کننده کتاب درسی باشد.

۴) معمولاً اولین سؤالی که دانش‌آموزان در آغاز سال تحصیلی از دبیران می‌پرسند این است که: استاد، از کدام کتاب کمک آموزشی استفاده کنیم؟!

برای پاسخ به این پرسش، هر دبیری ممکن است کتاب مورد نظر خودش را معرفی کند و دانش‌آموزان با انبوهی از کتاب‌های غیراستاندارد و بعضاً قدیمی موجود در بازار مواجه می‌شوند و اعتماد لازم را نخواهد داشت. کتاب درسی زیرذره‌بین، این ویژگی بارز را دارد که خیال همه را راحت می‌کند؛ مگر می‌شود به سادگی از کنار کتاب درسی گذشت! مگر می‌توان کتاب درسی را عمیق و دقیق مطالعه نکرد!

در تدوین این کتاب تلاش بسیار شده است تا تمام ریزه‌کاری‌های متن کتاب درسی به بهترین حالت ممکن مقابل دیدگان دانش‌آموزان قرار گیرد؛ ریزه‌کاری‌هایی که معمولاً از چشم دانش‌آموزان پنهان می‌ماند و فقط با ذره‌بین یک مدرس کارگشته قابل دیدن است! خلاصه این که کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، تفاوت بین «دیدن» و «نگاه کردن» است و شما با انتخاب این کتاب، یک تیر و چند نشان خواهید زد!...

مصطفی پویان

مدیر پروژه کتاب‌های درسی زیرذره‌بین

فهرست

۱	الدرس الأول : من آيات الأخلاق
۱۸-۱	أزمون ۱
۱۸-۳	پاسخ أزمون ۱
۱۹	الدرس الثاني : في مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ
۳۲-۱	أزمون ۲
۳۲-۳	پاسخ أزمون ۲
۳۳	الدرس الثالث : عجائب الأشجار
۴۸-۱	أزمون ۳
۴۸-۴	پاسخ أزمون ۳
۴۹	الدرس الرابع : آداب الكلام
۶۲-۱	أزمون ۴
۶۲-۴	پاسخ أزمون ۴
۶۳	الدرس الخامس : الكذب
۷۴-۱	أزمون ۵
۷۴-۴	پاسخ أزمون ۵
۷۵	الدرس السادس : أنه ماری شيمل
۸۸-۱	أزمون ۶
۸۸-۴	پاسخ أزمون ۶
۸۹	الدرس السابع : تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية
۱۰۱-۱	أزمون ۷
۱۰۱-۴	پاسخ أزمون ۷
۱۰۱-۵	سؤالات امتحان نهايي خردادماه ۱۴۰۳
۱۰۱-۸	پاسخنامه تشریحی سؤالات امتحان نهايي خردادماه ۱۴۰۳

که را از سخنی بود در سرشت

نیز ز طاووس جزای زشت

(سعدی)



الَّذِينَ آمَنُوا



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ... ﴿الْحُجْرَات: ۱۲﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِيْتَابُوا

= اِنْتَعَرُوا «دور شوید» ≠
اِقْتَرَبُوا «نزدیک شوید»

اسم تفضیل

کاربرد: در زبان عربی برای بیان برتری کسی نسبت به کسی یا کسانی و همچنین برتری چیزی نسبت به چیزی یا چیزهایی از اسم تفضیل استفاده می‌شود. در واقع اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است. مثال: رحیم (مهربان) ← ارحم: مهربان‌تر، مهربان‌ترین

روش تشخیص اسم تفضیل:

اسم تفضیل برای جنس مُذْكَر و مؤنث به صورت زیر به کار می‌رود.

۱) برای مُذْكَر با الگوهایی بر وزن: أَفْعَل / أَفَلّ / أَفْلَى

مثال: أَفْضَل (بر وزن أَفْعَل): برتر، برترین / أَجْمَل (بر وزن أَفْعَل): زیباتر، زیباترین

مثال: أَهْم (بر وزن أَفَلّ): مهم‌تر، مهم‌ترین (در اصل «أَهْمَم» بر وزن «أَفْعَل» بوده و دو حرف «م» درهم ادغام شده.)

أَشَدّ (بر وزن أَفَلّ): سخت‌تر، سخت‌ترین (در اصل «أَشَدَّد» بر وزن «أَفْعَل» بوده و دو حرف «ش» درهم ادغام شده.)

مثال: أَعْلَى (بر وزن أَفْلَى: والاتر، والاترین) / أَعْلَى (بر وزن أَفْلَى: گران‌تر، گران‌ترین)

۲) برای مؤنث بر وزن (فُعْلَى)

مثال: كُبْرَى (بر وزن فُعْلَى): بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین / حُسْنَى (بر وزن فُعْلَى): نیکوتر، نیکوترین

توجه (۱)

جمع اسم تفضیل «أَفْعَل» غالباً بر وزن «أَفَاعِل» به کار می‌رود.

مثال: أَكْبَر [جمع: أَكْبَر] / أَفْضَل [جمع: أَفْضَل]

توجه (۲)

کلمات «خَيْر» و «شَر» علاوه بر معنای «خوب، خوبی» و «بد، بدی» می‌توانند به معنای اسم تفضیل «خوب‌تر - خوب‌ترین» و «بدتر - بدترین» نیز به کار روند به شرط این‌که «أَل - الف و لام» نداشته باشند و معنای «تر، ترین» بدهند.

مثال: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا (بهترین کارها میانه‌ترین آن‌ها است)

کلمه «فَيْر» در کلمه «أَوْسَط»

معنای اسم بر وزن «أَفْعَل»

تفنیل است. اسم

تفنیل مُذْكَر

مثال: شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ، و ... (بدترین مردم کسی است که به امانت - امانت‌داری - اعتقاد ندارد)

کلمه «شَر» در معنای اسم تفنیل

مثال: الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ (خیر در چیزی است که رخ داد - رخ می‌دهد)

کلمه «الفیر» با «الف و لام» به کار رفته و معنای اسم تفنیل نمی‌دهد.

مثال: یا أخی خَيْرُكَ كَثِيرٌ (ای برادرم، خوبی تو زیاد است)

اگرچه کلمه «فیر» «الف و لام» ندارد ولی در مفهوم «برتری» به کار نرفته لذا اسم تفنیل نیست.

توجه (۳)

توجه داشته باشید که کلمه «أَخْر» در اصل «أَخْر» بر وزن «أَفْعَل» به معنای «دیگری» است و برخلاف معنای ظاهری آن اسم تفضیل محسوب می‌شود.

توجه (۴)

«فن ترجمه اسم تفضیل»

حالت (۱): اگر بلافاصله بعد از اسم تفضیل حرف جرّ «مِنْ» بیاید، باید اسم تفضیل را به صورت «صفت برتر» ترجمه کنیم.
مثال: هو أَعْلَمُ مِنكَ (او آگاه‌تر از تو است)

أَعْلَمُ + حرف جرّ «مِنْ»

حالت (۲): اگر بلافاصله بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه بیاید، باید اسم تفضیل را به صورت «صفت برترین» ترجمه کنیم.
مثال: أخی أَفْضَلُ الطُّلَابِ فی مَدْرَسَتِهِ (برادرم برترین دانش‌آموزان در مدرسه‌اش است)

اسم تفضیل + مضاف‌الیه

توجه (۵)

دقت کنید که موارد زیر اگرچه ظاهراً بر وزن «أَفْعَل» می‌باشند ولی اسم تفضیل نیستند. لذا آن‌ها را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید.
۱) کلماتی که بیانگر «رنگ» هستند.

[أَخْضَرُ «سبز»، أَحْمَرُ «سرخ»، أبيض «سفید»، أَسْوَدُ «سیاه»، أَصْفَرُ «زرد»، أَزْرَقُ «آبی»]

۲) فعل ماضی باب «إِفعال» صیغۀ «مفرد مذکر غائب»

مثال: أكرم الطُّلَابُ مُعَلِّمَهُم (دانش‌آموزان معلم‌شان را گرامی داشتند)

فعل ماضی باب إفعال

۳) فعل امر باب «إِفعال» صیغۀ «مفرد مُذَكَّر مخاطب»

مثال: أَحْسِنْ إلى الفقراء (به فقیران خوبی کن)

فعل امر باب إفعال

توجه (۶)

هنگام مقایسه بین دو اسم مؤنث، اگر بعد از اسم تفضیل حرف جرّ «مِنْ» و اسم بدون «الف و لام» بیاید، اسم تفضیل بر همان وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود.

مثال: فاطمةُ أكبرُ مِنْ زينب

مثال: فاطمة أكبر أولادٍ في أُسْرَتِهَا

اسم مکان

تعریف: اسم مکان بر «مکان» دلالت دارد، ولی نکته مهم این است که هر اسمی که بیانگر یک محل یا اسم یک مکان باشد، الزاماً «اسم مکان» محسوب نمی‌شود، بلکه شرط مهم و اصلی اسم مکان بودن این است که بر یکی از وزن‌های: «مَفْعَل»، «مَفْعِل»، «مَفْعَلَةٌ»، «مَفَال» و «مَفَاعِل» به کار رفته باشد.

مثال: دَهَبْنَا إلى المَلْعَبِ (به ورزشگاه رفتیم) / رَأَيْتُ صَدِيقِي في المَسْجِدِ (دوستم را در مسجد دیدم)

اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»

اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»

مثال: كانَ بابُ المَدْرَسَةِ مفتوحاً (درب مدرسه باز بود) / وَصَلَ المَسَافِرُونَ إلى المَطَارِ (مسافران به فرودگاه رسیدند)

اسم مکان بر وزن «مَفَال»

اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ»

توجه (۷)

جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» به کار می‌رود.

مثال: مَنَاجِرُ «مغازه» [جمع: مَنَاجِر]

مثال: مَنَزِلُ «خانه» [جمع: مَنَازِل]

مثال: مَكْتَبَةُ «کتابخانه» [جمع: مَكاتب]

توجه (۸)

هر کلمه‌ای بر وزن «مَفَاعِل» الزاماً اسم مکان نیست؛ بلکه باید معنای اسم مکان بدهد و در حالت مفرد، بر یکی از وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل»، «مَفْعَلَةٌ» و «مَفَال» باشد. مانند: مَسَائِلُ (مفرد: مَسْأَلَةٌ - اسم مکان نیست)

در متن هر درس، کلماتی که با هاشور به رنگ مشخص شده‌اند دارای نکات قواعدی هستند که بعد از ترجمه روان متن، در بخشی جداگانه به آن اشاره شده است.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

از آیات اخلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ ایمان آورده‌اید. جماعه «گروهی» به نام خداوند بفرشته مهربان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾ ^۱ و لَا نِسَاءً ^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید مسخره‌کننده گروهی گروهی شاید که باشند بهتر از ایشان و نه زنانی

﴿مِنْ نِسَاءٍ مِمَّنْ نِسَاءٌ مِمَّنْ لَا يَسْخَرُونَ مِنْكُمْ﴾ ^۳ و لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ^۴ از زنانی شاید که باشند بهتر از ایشان و عیب نگیرید (از) خودتان و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید

﴿بِئْسَ الْأَسْمَاءُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾ ^۴ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ^۵ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ^۶ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ^۷ وَلَا تَجَسَّسُوا ^۸ وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا ^۹ أَيُّ حِبِّ أَحَدِكُمْ ^{۱۰} أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا ^{۱۱} فَكَرِهْتُمُوهُ ^{۱۲} ﴿۱۳﴾

بر است نام آورده شدن پس ایمان و هر توبه نکنند پس آنان همان ستمگران (اند) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اجتناب کنید بسیاری از گمان زیرا برخی گمان گناه و تجسس نکنید و نباید غیبت کنید (تجسس) (تجسس نکنید)

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ ^{۱۴} وَاتَّقُوا اللَّهَ ^{۱۱} إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ^{۱۲} ﴿۱۳﴾ و پروا کنید خدا زیرا خدا بسیار مهربان توبه‌پذیر



مفرد: غیب

﴿قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعدَ عَنِ الْعَجْبِ﴾ ^{۱۴} وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ عِيُوبَ كَافِرِينَ ^{۱۵} گاهی می‌باشد میان مردم کسی او بهتر از ما پس بر ما که دور شویم از خودپسندی و اینکه یاد نکنیم عیب‌ها لازم است

﴿الْأَخْرَجَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ الْأَعْيُنَ﴾ ^{۱۵} فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ». ^{۱۶} دیگران با سخن پنهانی یا با اشاره‌ای پس فرموده امیر مؤمنان علی (ع) بزرگ‌ترین عیب این که عیب‌جویی کنی

«أَعْظَمُ» بزرگ‌ترین «أَصْغَرُ» کوچک‌ترین



ترجمه

- ۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی [از شما] گروهی [دیگر] را مسخره کند، شاید آن‌ها بهتر از این‌ها باشند.
- ۲ (و نه) و نباید زانی، زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید که آنها بهتر از این‌ها باشند.
- ۳ و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.
- ۴ (چه) بد است نام آلوده شدن به گناه پس از ایمان.
- ۵ و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمگران هستند.
- ۶ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.
- ۷ زیرا برخی گمان‌ها گناه است.
- ۸ و جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید.
- ۹ آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مُرده است، بخورد؟
- ۱۰ پس آن را ناپسند می‌دارید (پس از آن کراهت دارید)
- ۱۱ و از خدا پروا کنید (تقوای الهی پیشه کنید)
- ۱۲ زیرا که خداوند بسیار توبه‌پذیر [و] مهربان است.
- ۱۳ گاهی میان مردم کسی است که از ما بهتر می‌باشد.
- ۱۴ پس باید از خودپسندی دور شویم (پس بر ماست که از خودپسندی دور شویم)
- ۱۵ و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهانی یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.
- ۱۶ پس، امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: بزرگ‌ترین عیب آن است که از آن‌چه که همانند آن در تو است، عیب‌جویی کنی.

قواعد

- ۱ **آَمَنُوا:** [فعل ماضی «ایمان آوردند» / معنای آن در این عبارت «ایمان آورده‌اید، ایمان آوردید»] **خَيْرًا:** [اسم تفضیل]
- ۳ **لَا تَلْمِزُوا:** [فعل نهی / جمع مذکر مخاطب / فاعل آن «ضمیر «واو»] **أَنْفُسَ:** [مفعول] **كُم:** [مضاف‌إليه] **لَا تَنَابَرُوا:** [لا تنابزوا] فعل نهی / فاعل آن: ضمیر «واو»
- ۵ **لَمْ يَنْتَبُ:** [فعل مضارع / توجّه: «لم + مضارع» = ماضی منفی ساده یا نقلی / **توجه:** در این عبارت به صورت مضارع التزامی «توبه نکند» ترجمه می‌شود] **أُولَئِكَ:** [مبتدا] **الظَّالِمُونَ:** [خبر]
- ۶ **اجْتَنِبُوا:** [فعل امر / جمع مذکر مخاطب / باب إفتعال / فاعل آن: ضمیر «واو»] **كثيْرًا:** [مفعول فعل] **اجْتَنِبُوا:** [مفعول فعل] **مِنَ الظَّنِّ:** [جار و مجرور]
- ۸ **لَا تَجَسَّسُوا:** [«لا تجسسوا» فعل نهی فاعل آن: ضمیر «واو»] **لَا يَغْتَبُّ:** [فعل نهی / مفرد مذکر غائب] **بَعْضُ:** [فاعل] **كُم:** [مضاف‌إليه] **بَعْضًا:** [مفعول فعل] **لَا يَغْتَبُّ:** [فعل نهی]
- ۹ **يُحِبُّ:** [فعل مضارع / مفرد مذکر غائب / باب إفعال «در اصل: يُحِبُّ» بوده] **أَحَدُ:** [فاعل] **كُم:** [مضاف‌إليه] **لَحْمَ:** [مفعول فعل] **أَنْ يَأْكُلَ:** [فعل نهی]
- ۱۰ **كِرْهَتُمُوهُ:** [در اصل «كِرْهَتُمُوهُ + هُ» بوده] فاعل آن: ضمیر «تُم» / هُ: [مفعول]
- ۱۱ **اتَّقُوا:** [فعل امر / جمع مذکر مخاطب / فاعل آن: ضمیر «واو»] **الله:** [مفعول فعل] **اتَّقُوا:** [فعل امر]
- ۱۲ **تَوَابٌ:** [اسم مبالغه]
- ۱۳ **قَدْ يَكُونُ:** [«قَدْ» بر سر فعل مضارع به معنای «گاهی»، «شاید»، «به ندرت» است] **النَّاسِ:** [مضاف‌إليه] **هُوَ:** [مبتدا] **أَحْسَنُ:** [خبر] **مِنَّا:** [جار و مجرور / مِن + نا]
- ۱۴ **عَنِ الْعُجْبِ:** [جار و مجرور]
- ۱۵ **عِيُوبٌ:** [مفعول فعل] **أَنْ لَا تَذْكُرُ:** [فعل نهی] **الْآخِرِينَ:** [مضاف‌إليه] **يَكْلَامٍ:** [جار و مجرور] **حَفِيٌّ:** [صفت] **بِإِشَارَةٍ:** [جار و مجرور]
- ۱۶ **أَكْبَرُ:** [«اسم تفضیل» / مبتدا] **الغَيْبِ:** [مضاف‌إليه] **أَنْ تَعْيِبَ:** [خبر] **مَا:** [مفعول فعل] **أَنْ تَعْيِبَ:** [فعل نهی] **فِيكَ:** [جار و مجرور]

تَنْصَحُنَا الْآيَةَ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ. وَلَا تَلْقُبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا. ^{۱۸}

پند می‌دهد به ما آیه اول و می‌گوید عیب‌جویی دیگران و لقب نرھید به لقب‌هایی ناپسند می‌شمارند آن‌ها را
نکند

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ. ^{۱۹}

بسی بد است کار آلوده شدن و هرکس انجام آن پس او از ستمگران
دهد به گناه

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: ^{۲۱}

بنابراین پس حرام کرده خداوند متعال در این دو آیه
است

الِاسْتِهْزَاءِ بِالْآخِرِينَ، وَ تَسْمِيَتِهِمْ

ریشخند کردن (مسخره کردن) دیگران و نامیدن آنان

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. ^{۲۲}

با نام‌های زشت = الکریمه: زشت

سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ

برگمانی و آن تهمت شفعی به شفعی دیگر

بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ. ^{۲۳}

بدون دلیلی منطقی
مفرد: «راز»

الْتَّجَسُّسِ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ

جاسوسی کردن و آن کوششی زشت برای آشکار رازهای

النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا

مردم برای رسوا و آن از گناهان بزرگ در مکتب ما
کردن آنان

وَ مِنْ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. ^{۲۵}

و از افلاق بد
مفرد: «سبب» «دلیل»

وَ الْغَيْبَةِ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ

و غیبت و آن از مهم‌ترین دلایل قطع
کردن

التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. ^{۲۶}

ارتباط میان مردم

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي

نامید برقی مفسران سوره هجراتی که
[در این جا: نامیدند]

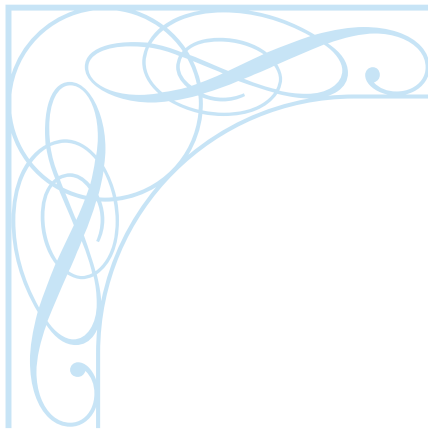
جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ. ^{۲۷}

آمد در آن این دو آیه به سوره افلاق
مفرد: «الْفُوقِ» «فوی»



|| رمز: «رازها»





ترجمه

- ۱۷ آیه اول ما را پند و اندرز می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.
 ۱۸ و آن‌ها را به لقب‌هایی که آن را ناپسند می‌دارند لقب ندهید.
 ۱۹ (چه) بد است (بد کاری است) کار آلوده شدن به گناه.
 ۲۰ و هر کس آن را انجام دهد، پس او از ستمگران است.
 ۲۱ پس خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است.
 ۲۲ ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با نام‌های زشت [را]
 ۲۳ بدگمانی [را] و آن تهمت زدن شخصی به شخصی دیگر بدون دلیل منطقی.
 ۲۴ جاسوسی کردن [را] و آن کوششی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم برای رسوا کردن آنان است.
 ۲۵ و آن از گناهان بزرگ در مکتب ماست.
 ۲۶ و غیبت کردن [را] و آن از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.
 ۲۷ برخی از مفسران، سوره حُجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره اخلاق نامیده‌اند.

قواعد

- ۱۷ تَنْصُحُنَا: تَنْصَحُ: فعل مضارع / فاعلِ آن «الآيَةُ» / «نا»: مفعول [أَلَايَةُ: فاعلِ فعلِ «تَنْصَحُ»] الأُولَى: [صفت] / لا تَعْيَبُوا: [فعل نهی/ جمع مذكر مخاطب/ فاعلِ آن: ضمير «واو»] الأَخْرِينَ: [«اسم تفضيل - جمع مذكر» / مفعولِ فعلِ «لا تَعْيَبُوا»]
 ۱۸ لا تَلْقَبُواهُمْ: [فعل نهی/ فاعلِ آن: ضمير «واو» / + هُمْ «مفعول»] بِالْقَابِ: [جار و مجرور] يَكْرَهُونَهَا: [فعل مضارع/ فاعلِ آن: ضمير «واو» / + هَا: «مفعول»]
 ۲۰ هو: [مبتدا] مِنَ الظَّالِمِينَ: [خبر (جار و مجرور)]
 ۲۱ كَرَمٌ: [فعل ماضی/ مفرد مذكر غائب/ بابِ تفعیل / فاعلِ آن: الله] فِي هَاتَيْنِ: [جار و مجرور]
 ۲۲ الإِسْتِهْزَاءُ: [مفعولِ فعلِ «كَرَمٌ»] بِالْأَخْرِينَ: [جار و مجرور] بِالأَسْمَاءِ: [جار و مجرور] القَبِيحَةِ: [صفت]
 ۲۳ هو: [مبتدا] إِنْهَامٌ: [خبر] شَخْصٍ: [مضافُ اليه] لِشَخْصٍ: [جار و مجرور] بدون: [جار و مجرور] دليل: [مضافُ اليه] منطقی: [صفت]
 ۲۴ هو: [مبتدا] مُحَاوَلَةٌ: [خبر] قَبِيحَةٌ: [صفت] لِكَشْفِ: [جار و مجرور] أَسْرَارِ: [مضافُ اليه] النَّاسِ: [مضافُ اليه] لِفَضْحِ: [جار و مجرور] هُمْ: [مضافُ اليه]
 ۲۵ هو: مبتدا مِنْ كِبَائِرٍ: [خبر (جار و مجرور)] الذُّنُوبِ: [مضافُ اليه] فِي مَكْتَبِ: [جار و مجرور] نا: [مضافُ اليه] مِنَ الأَخْلَاقِ: [جار و مجرور] السَّيِّئَةِ: [صفت]
 ۲۶ هِيَ: [مبتدا] مِنْ أَهَمِّ: [خبر (جار و مجرور)] أَسْبَابِ: [مضافُ اليه] قَطْعِ: [مضافُ اليه] التَّوَاضُّلِ: [مضافُ اليه] النَّاسِ: [مضافُ اليه]
 ۲۷ سَمَى: (فعل ماضی / فاعلِ آن: بَعْضٌ] المُفَسِّرِينَ: [مضافُ اليه] سورة: [مفعول] الحُجرات: [مضافُ اليه] هاتان: [فاعلِ فعلِ «جاءت»] فِيهَا: [جار و مجرور] بِسورة: [جار و مجرور] الأَخْلَاقِ: [مضافُ اليه]

= زُيْمًا «شایر»

عَسَى: شاید = زُيْمًا
فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه
فَضَحَ: رسوا کردن
قَدْ: گاهی، شاید (بر سر مضارع)
قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد / بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.
كِبَائِرُ: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»
كِرَهُ: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)
لَحْمٌ: گوشت «جمع: لُحُومٌ»
لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ) = عَانَبَ
لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ) = فَنِي «زنده»
مَيِّتٌ: مُرَدَةٌ = مَيِّتٌ
مَوْتَى: جمع: «مَوْتَى، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ

تَسْمِيَةٌ: نام دادن، نامیدن (سَمَى / يُسَمِّي)
تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)
تَوَابٌ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده ≠ انقطاع «بریده شدن»
تَوَاصَلٌ: ارتباط (تَوَاصَلٌ، يَتَوَاصَلُ) = تَطَلَّ «ملاک کرد»
حَرَمٌ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ) = مَشَبَّهٌ، مَسْتَوِرٌ
خَفِيَ: پنهان ≠ ظاهراً
سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد
يَسْخَرُ: مصدر: سَخِرَ (مضارع: يَسْخَرُ)
يَسْخَرُ: نباید مسخره کند
عَابَ: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: يَعْيبُ) = كَبَّرَ «فودپسندی»
عُجِبَ: خودپسندی ≠ تَوَاضَعُ «فروتنی»

اتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي)
اتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید
إِنَّمَا: گناه = **ذَنْبٌ** «جمع: ذُنُوبٌ» «گناهان»
استَهْزَأَ بِ: ریشخند کردن = سفیریه عن
استَهْزَأَ: يَسْتَهْزِئُ (مضارع: يَسْتَهْزِئُ)
إِغْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)
لا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند
أَنْ يَكُنَّ: که باشند (كَانَ، يَكُونُ)
أَنْ يَكُونَا: که باشند (كَانَ، يَكُونُ)
بَعْضٌ ... بَعْضٌ: یکدیگر
بُئِسَ: بد است = استهزاء بـ «ریشخند کردن»
تابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) = لَمَمَ
لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد
تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)

عبارت) درست و نادرست را طبق متن درس مشخص کن.

طبق متن درس «بِسُورَةِ الْأَنْعَامِ»

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



- 1- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرْسِ الْقُرْآنِ. نادرست است
 - 2- حَرَمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْأَسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطْ. نادرست است
 - 3- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أختَكَ بِمَا يَكْرَهُانَ. طابق متن درس، فراوند متعال در سوره هجرات مواردی چون: [الاستهزاء بالآخرين، سوء الظن، التَّبَسُّسُ و الغيبة] را حرام کرده است.
 - 4- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَةِ مِنَ الْآخِرِينَ. نادرست است
 - 5- أَلَسَّعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. اسم تفضیل
- تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیبا است.

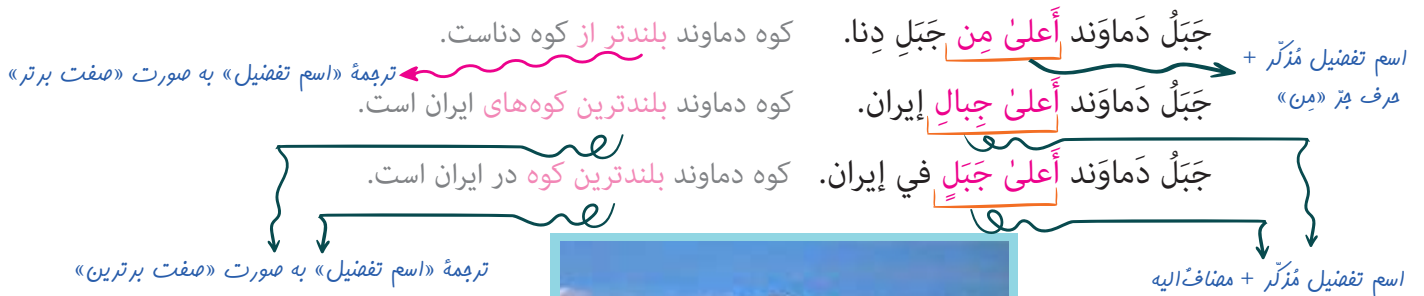
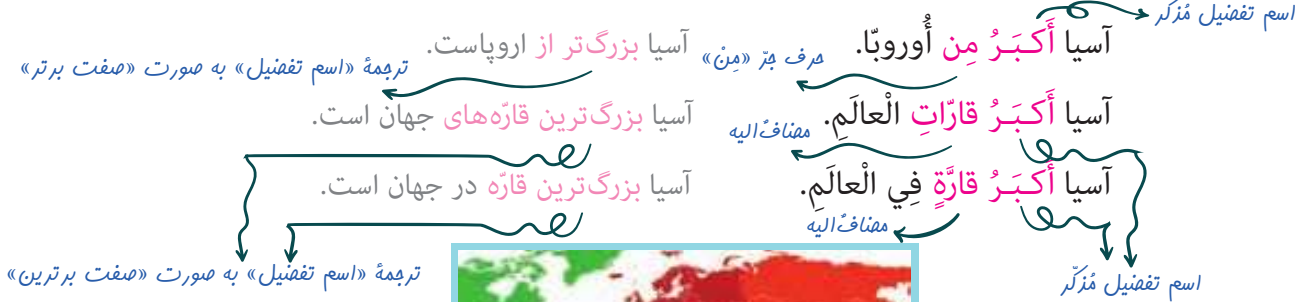
اعلموا

اسم التفضيل و اسم المكان

■ اسم تفضيل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أفعل» است.

اسم تفضيل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ **أكبر**: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین **حسن**: خوب **أحسن**: خوب‌تر، خوب‌ترین



≠ أصغر «کوچک‌ترین»
= أعظم

مبتدا مضاف الیه مفعول مَجْرُورِ جَرِّ مضاف الیه

أكبر العيب، أن تعيب ما فيك مثله. الإمام علي عليه السلام

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

ترجمه «اسم تفضيل» به صورت «صفت برترین»

در بخش درسنامه توضیح داده شده است.

گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

بر وزن «أَفْلی» **أَعْلَى**: بلندتر، بلندترین

بر وزن «أَفْلی» **أَعْلَى**: گران‌تر، گران‌ترین

بر وزن «أَقْل» **أَحَبَّ**: محبوب‌تر، محبوب‌ترین

بر وزن «أَقْل» **أَقَلَّ**: کمتر، کمترین

مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

در بخش درسنامه توضیح داده شده است.

فاطمة الكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید؛

مثال: فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.



غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

در بخش درسنامه توضیح داده شده است: إذا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جمع أَرْدَلٌ و أَفَاضِلُ جمع أَفْضَلُ است).

مفرد: أَرْدَلٌ مفرد: أَفْضَلُ

هرگاه فرومايان فرمانروایی یابند، برترها هلاک می‌شوند. آ

هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر»

دارد؛ مثال:

«صفت برتر»

هذا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سورة البقرة أَكْبَرُ سورة في القرآن. سورة بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

مبتدا مضاف الیه فبر اسم تفضیل + مضاف الیه

ترجمه «اسم تفضیل» به صورت «صفت برتر»

«صفت برترین»